

بررسی جایگاه امنیت‌گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا

عبدالعلی توجهی

عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شاهد، تهران

مرجان برنجی اردستانی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، پردیس قم mberenji23@gmail.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۱۷

چکیده

در حقوق کیفری دو نوع سیاست کیفری وجود دارد: سیاست کیفری عدالت‌محور و دیگری سیاست کیفری امنیت‌گرا یا دشمن‌محور. در حالی که در سیاست کیفری عدالت‌محور اصل بر محدود بودن مسئولیت افراد و عدم مداخله در زندگی خصوصی افراد است می‌توان گفت سیاست کیفری امنیت‌گرا در چند دهه اخیر با مداخله هر چه بیشتر دولت‌ها در زندگی خصوصی افراد و همچنین توسعه یافتن مسئولیت فردی شکل گرفته است. غایت ظاهری این سیاست کیفری، حاکمیت امنیت به بهای از بین رفتن و مخدوش شدن حقوق بشر است. ولی در سایه آن هیچ احساس امنیتی ملموس نمی‌باشد، به عبارت دیگر با وجود امنیت، در جوامع هیچ احساس امنیتی حس نمی‌شود.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری، امنیت‌گرایی، عدالت‌محوری، حقوق بشر، احساس امنیت.

طی دو دهه اخیر در برخی جوامع به منظور حلّ مخاصمات مسلحانه به ویژه با ظهور پدیده‌های جدید مجرمانه از قبیل جرائم سازمان یافته، فراملی و جرائمی که امنیت را به طور جدی به مخاطره می‌اندازد، راه‌کاری اندیشیده شده که در حقوق کیفری این امر صبغه خوبی ندارد، این راهکار عبارت است از حاکمیت بخشی امنیت در این جوامع، اگرچه این که به قیمت نقض شدن کلیه اصول حقوق بشری از پیش تعیین شده باشد. این در صورتی است که با وجود حاکمیت یافتن امنیت هر چند به طور صوری، هیچ احساس امنیتی مشهود نمی‌باشد. در پاسخ این سؤال که جایگاه امنیت گرائی در سیاست کیفری ایران و آمریکا چیست فرضیه این است که، امنیت گرائی در سیاست کیفری تقنینی ایران هیچ جایگاهی نداشته و فقط به فراخور حساسیت جرائم ارتكابی علیه امنیت، برخی سیاست‌های کیفری شدید توسط دستگاه قضائی به ویژه ضابطین دادگستری قابل رؤیت است، در حالی که در آمریکا به وضوح اتخاذ این سیاست‌های امنیت گرا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، خاصه با وضع قانون پاتریوت^۱ در جرائم خاصی مشهود است. در ابتدا شایسته است پیشینه‌ای را در این موضوع به طور خلاصه مطرح می‌کنیم، از این رو موضوع در حوزه قواعد بین‌المللی و منطقه‌ای (Vanden Wyngaert, 2005: 579-81) و برخی از قوانین ایران قبل از انقلاب ملاحظه تا جایگاه امنیت گرائی در سیاست کیفری آن‌ها نیز مشخص شود. کنوانسیون کشورهای عربی در رابطه با منع تروریسم^۲ در ماده ۱ تروریسم را این چنین تعریف می‌کند: هر تهدید به خشونت که بر فرد یا گروهی از افراد جهت از بین بردن آرامش و ایجاد ارباب نسبت به آزادی و امنیت ایشان واقع شود، این در حالی است که در جوامع امنیت گرا همواره حاکمیت یافتن امنیت توأم با ایجاد رعب و از بین رفتن آرامش می‌باشد. در ماده ۳ از جمله تدابیر پیش‌گیرانه ایمن ساختن و نظارت بر مرزها از جمله مرزهای هوائی است و در قسمت دوم این ماده در تدابیر سرکوب گرانه از حمایت مؤثر از منابع اطلاعاتی راجع به جرائم تروریستی و حمایت از شهود نامبرده شده است، از حمایت شهود چنان حربه‌ای ساخته شده که موجب ترویج نقض حقوق

^۱ USA PATRIOT ACT: uniting and strengthening America by providing appropriate tools required to intercept and obstruct Terrorism

قانون هماهنگی و تقویت آمریکا به منظور ایجاد ابزار ضروری جهت مبارزه و جلوگیری از تروریسم که این قانون در

۱۲۶ کتبر ۲۰۰۱ تصویب شد.

^۲ Arab convention on the suppression of terrorism (1998)

بررسی جایگاه امنیت گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا/۶۹

بشری گردیده است. همین طور از ایجاد تضمینات مقتضی و محرک جهت تشویق به گزارش اعمال تروریستی به منظور دست گیری مرتکبین که به عنوان تدابیر سرکوب گرند.

کنوانسیون بین کشورهای آمریکائی علیه تروریسم^۱، در ماده ۴ به صراحت از ایجاد نظام های مبارزه با حمایت تروریسم از جمله نظارت بر بانک ها یا جاهائی که به حمایت از اعمال تروریستی مشکوک باشند، نام می برد، که در راستای مبارزه با پول شوئی می باشند.

در مواد ۲۴ و ۲۵ کنوانسیون سازمان ملل علیه جرائم سازمان یافته فراملی^۲، حمایت ویژه از شهود و خویشان و نزدیکان ایشان در برابر انتقام جوئی و ارباب احتمالی نظیر عدم افشاء اطلاعات راجع هویت و محل زندگی شهود به خصوص ادای شهادت با استفاده فناوری های ارتباطی را می توان نام برد. از جمله سیاست های امنیت گرای تعقیبی در کنوانسیون پالمو، ایجاد نهاد "تراکفن"^۳ جهت ردیابی و نظارت بر نقل و انتقال نقدینگی و تحلیل های مالی در حیطه مرزهای کشورهای عضو توصیه شده است. به منظور ردیابی پول هائی که در یک فعالیت مجرمانه به کار گرفته شده یا ممکن است از فعالیت های مجرمانه ناشی شده باشد (خسروی فارسانی، ۱۳۸۱: ۱۲۴) و یکی از کشورهای پیش گام در نهاد تراکفن فرانسه است که بانک ها را هم موظف نموده مضمونین به عمل متقلبانه را به دادسرا بلکه سازمان خاص تراکفن معرفی نمایند و این سازمان مجاز است مدارک بانک ها و مشتریان را دریافت نماید.

در کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد اداری و مالی^۴ معروف به مریدا، ماده ۱۵، ناظر به جرم انگاری ارتشاء کار گزاران عمومی داخلی است، نظیر درخواست یا قبول یک امتیاز غیر معمول از طرف مقام رسمی به طور مستقیم یا غیر مستقیم به منظور اجتناب وی از انجام وظایف رسمی باشد که چنین چیزی مصداق عینی ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاه برداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران می باشد. در ایران می توان به این موارد اشاره داشت:

ماده واحده لایحه راجع به تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص می شوند مصوب ۱۳۳۳: سارق یا سارقین چه مسلح باشند و چه در حین ورود در مقام هتک ناموس برآیند و حتی مسلح هم نباشند در دادگاه نظامی محاکمه می شدند و ... که به نظر می رسد چنین تشدید مجازاتی عدول از دادرسی منصفانه باشد. زیرا محاکمه افراد غیر مسلح به طور اساسی در

1. Inter American Convention against terrorism (2002).

2. United nation conventions against transnational organized crime (2000).

3. TRAKFON

4. United nation Convention against financial corruption (2003).

محاكم عمومی کیفری تحقق می‌یابد. به طوری که حتی اگر فرد نظامی به اعتبار شخص خود نه به اعتبار سمت خود، مرتکب جرمی گردد در دادگاه نظامی محاکمه نمی‌شود و بسته به صلاحیت در یکی از دادگاه‌های عمومی و انقلاب مورد محاکمه قرار می‌گیرد.

و یا به موجب ماده ۱۷ قانون راجع به مجازات اخلاص گران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶ تعقیب متهمین تحت شمول این قانون در صلاحیت دادستانی ارتش و دادگاه‌های دائمی نظامی دانسته شده بود، چراکه موارد صلاحیت نظامی به این امور هم تسری یافته و خارج از عرف دادرسی عادلانه تلقی می‌شود.

چنین انتقادی به ماده ۲ قانون مجازات اخلاص کنندگان در تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور مصوب ۱۳۵۱ وارد است که می‌گوید: هر کس به منظور اخلاص در امنیت عمومی مرتکب تخریب تأسیسات و ... شود رسیدگی به جرمش در صلاحیت دادگاه نظامی بود.

قانون مجازات اخلاص گران در صنایع مصوب ۱۳۵۳ در ماده ۷ می‌گوید: شرکت‌های موضوع این قانون برای حفظ تأسیسات خود می‌توانند اقدام به تشکیل گارد نموده که ایشان دارای وظایف و اختیارات ضابطین نظامی بودند تا جایی که حق به کارگیری اسلحه را داشتند و رسیدگی به بزه‌های تحت شمول این قانون در صلاحیت دادگاه نظامی بود (سلیمانی، ۱۳۸۱: ۶۰).

مبحث اول: امنیت گرائی در جرم‌انگاری و تعقیب مجرم

قبل از ورود به بحث شایسته است موضوع در حوزه قوانین داخلی برخی از کشورها بررسی شود. از جمله کشورهای مورد مطالعه، انگلستان^۱ و آلمان^۲ می‌باشند، چراکه در سال‌های اخیر تعداد زیادی از دولت‌ها به اتخاذ سیاست‌های کیفری امنیت گرا خاصه وضع قوانین ضد تروریستی و مبارزه با جرائم سازمان یافته گرایش پیدا کرده‌اند. در ایران به تعدادی از قوانین امنیتی اشاره می‌شود و در آمریکا از مهم‌ترین قوانین امنیت گرائی که بعد از حادثه یازدهم سپتامبر وضع شد یعنی قانون پاتریوت، مطالب زیادی نقل می‌شود. در قسمت تعقیب به برخی از این سیاست‌ها در دستگاه قضائی اشاره می‌شود.

در انگلستان دو مورد از سوء استفاده‌های پارلمان انگلیس، قانون اعمال مجازات بدون محاکمه و عطف به ما سبق شدن قوانین بوده است (ام اس‌جی، ۱۳۸۳: ۹۶). قانون اعمال مجازات بدون محاکمه

^۱. Terrorism Bill, 2005

^۲. Official-translation of German criminal code, 1998

بررسی جایگاه امنیت گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا/۷۱

قانونی است که بدون محاکمه، مجازات را بر فرد یا گروهی از افراد نامعین تحمیل می‌کند- قانونی که فرض را بر مجرمیت گذاشته و از این رو بدون محاکمه کردن متهم، وی را مجازات می‌کند- و عطف به ماسبق شدن قانون، عمل فرد بی‌گناهی را غیرقانونی تلقی می‌نماید و حتی مجازات فعل را افزایش می‌دهند. باید گفته شود در قانون کیفری به‌عنوان یک قانون ماهوی اصل بر عدم عطف به ماسبق‌کنندگی است که عطف به ماسبق شدن آن مغایر عدالت حقوقی است. اینک با بررسی مجموعه قواعد کیفری آلمان مشخص می‌شود که این کشور بیش از کشورهای دیگر در راستای امنیت‌گرایی در جرم‌انگاری و تعقیب مجرم سوق پیدا کرده است. از لحاظ تعقیبی، جامعه مدرن آلمان حجم وسیعی از اطلاعات عمومی یا خصوصی افراد را به دست آورده است. در اینجا ممکن است حق خلوت اشخاص زیادی از شهروندان بی‌گناه مخدوش گردد. البته تکنولوژی جدید نظارتی از سال ۱۹۹۳ پذیرفته شده که بدون اطلاع مظنونین اجازه نظارت الکترونیکی و ویدیویی را داده است، که مهمترین روش تعقیبی سیاست پوشیده یا روش‌های مخفی است (Albrecht, 2005:117).

نماینده مخفی مأمور پلیس است، او هویت خود را تغییر می‌دهد و مدارک جعلی برایش صادر شده تا درون شبکه‌های مجرمانه سازمان یافته نفوذ کند. قانون‌گذار، این روش سری را فقط به جرائم مهم اختصاص داده و هم‌چنین مواقعی که روش‌های تکنیکی سابق موفقیت‌آمیز نبوده است. این مأمورین به‌طور معمول ابتدا تحریک به جرم می‌کنند، به‌عنوان مثال در هنگام تبادل مواد مخدر با مشاهده و مداخله پلیس قاچاقچی دستگیر می‌شوند (Ibid). دیوان‌عالی از به‌کارگیری این مأمورین استقبال کرده که همواره انتقادات شدیدی نسبت به این تکنیک تعقیبی وجود دارد و روش تعقیبی دیگر جستجوی شبکه‌ای است که از طریق کنترل پاسپورت‌ها در فرودگاه‌ها و مرزها صورت می‌گیرد. باید گفته شود دهه هفتاد نقطه عطفی برای اتخاذ سیاست‌های امنیت‌گرا در برخی کشورهای اروپایی به‌شمار می‌رود. حال این رویکرد را در ایران مورد ملاحظه قرار می‌دهیم.

گفتار اول: جرم‌انگاری و تعقیب در ایران

شاخص‌ترین قانون کیفری در ایران قانون مجازات اسلامی است. اما این گفتار فقط به قانون مذکور اکتفاء ننموده و به بررسی دیگر قوانین جزائی چه قبل و چه بعد از انقلاب پرداخته است. زیرا تحقق بخشی به حمایت از ارزش‌ها از طریق مبارزه با نقض آن‌ها و اولویت جامعه در تحقق بخشی مبارزه علیه جرائم وضع شده است و کیفری مورد قبول جامعه است که جامعه از آن

ارزش اساسی حمایت کند. با وجود این جرم‌انگاری یک عمل باید متناسب با نیازهای شهروندان تلقی شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۴-۱۱).

با دقت در قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نمی‌توان امنیت گرائی را به مفهوم واقعی آن در این قوانین یافت. ماده ۱۸۶ ق.م.ا. قیام مسلحانه در برابر حکومت را محاربه دانسته است و اعضائی را که جهت پیش‌برد اهداف آن جمعیت فعالیت نمایند گرچه در شاخه نظامی نباشد، محارب تلقی نموده است. مجازات محارب برای هواداران بسیار سنگین بوده و از عدالت محوری به دور می‌باشد (برای مطالعه بیشتر رک: نجفی، ج ۴۱: ۴۷۵ به بعد جواهر الکلام). ماده ۱۸۷ ق.م.ا. هم از این دست است؛ چراکه ممکن است اصلاً از این حمایت‌های مالی جهت براندازی حکومت استفاده‌ای به عمل نیاید و این جرم به طور مطلق شایسته نیست که محاربه تلقی شود.

در تبصره ماده ۱۰۴ قانون آئین دادرسی کیفری مندرج است در صورتی که جرم ارتكابی علیه امنیت کشور باشد، قاضی می‌تواند حکم به تفتیش مراسلات پستی مخابراتی صوتی و تصویری متهم را صادر نماید، که باز بودن دست مقام قضائی در موارد امنیت ملی مشخص می‌گردد. این سؤال باقی است که تفتیش مخابراتی مکالمات اشخاص به چه مدتی می‌تواند ادامه داشته باشد؟ این در حالی است که در ماده ۵۸۲ ق.م.ا. مفتوح نمودن و ضبط مراسلات و استراق سمع مخابرات و مکالمات تلفنی اشخاص توسط مستخدمین دولت در غیر مواردی که قانون اجازه داده، جرم‌انگاری شده است.

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح اصلاحی ۱۳۸۲ را می‌توان نسبت به قانون مجازات، قانون مشددی دانست، چراکه بر خلاف ماده ۵۴۵ ق.م.ا. در ماده ۲۷ خود آورده چنانچه یک نظامی در تخریب اسناد رسمی سهل‌انگاری نماید به مجازات شدیدتری محکوم می‌شود و این جرم‌انگاری و تشدید مجازات حاکی از وضع خاص متهم است.

در زمینه جرم‌انگاری پول‌شوئی قانون مبارزه با پول‌شوئی در تاریخ ۸۶/۱۱/۲ به تصویب رسید. به استناد ماده ۴ به منظور مقابله با جرم پول‌شوئی شورای عالی مبارزه با پول‌شوئی، به ریاست و مسئولیت وزیر امور اقتصادی و دارایی و با عضویت وزراء بازرگانی، اطلاعات، کشور و رئیس بانک مرکزی موظف به جمع‌آوری و کسب اخبار و اطلاعات مرتبط و تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی فنی و تخصصی آن‌ها در مواردی که قرینه‌ای بر تخلف وجود دارد، طبق مقررات شوند. شایان ذکر است اولین کشوری که اقدام به جرم‌انگاری این فعل نمود، آمریکا می‌باشد

بررسی جایگاه امنیت گرایي در سياست کيفري ايران و آمريکا/۷۳

(ميرمحمدصادقي، ۱۳۸۵: ۶)؛ در کشوري نظير آمريکا امکان و اريز پول‌هاي کلان به حساب‌هاي بانکی وجود ندارد زيرا، اول اين که بانک‌ها بدون شناسايي کامل هويت مشتري از افتتاح حساب خوداري نموده بلکه حتي متصديان از دهه هشتاد به طورقانوني موظف به گزارش معاملات نقدي بالاتر از ده هزار دلارند. البته برخي کشورها هم مثل سوئيس تأکيد بسياري بر سري بودن اطلاعات و رازداري بانکی مشتريان دارند تا تمايل سپرده‌گذاران در اين کشورها کاهش نيابد که اين امر فرصت خوبي را در اختيار پول‌شويان قرار مي‌دهد (خسروي فارساني، پيشين: ۷۴). رعايت مطلق و دقيق رازداري تجاري از سوي بانک‌ها و گزارش نمودن موارد مشکوک به مقامات صالحه از مسائلي است که کشف موارد مشکوک به انجام تطهير پول را دچار مشکل مي‌سازد؛ با اين وجود توصيه مي‌شود ضمن تعديل اصل رازداري تجاري به گزارش موارد مشکوک هم پردازند (حيدري، ۱۳۸۲: ۵۲-۱۴۳). توصيه ۱۶ از توصيه‌هاي ۴۰ گانه شوراي اروپا از اين امر حمايت نموده است البته در صورتی که ايشان موارد مشکوک را با حسن نيت، به مقامات صالحه گزارش دهند حتي در صورتی هم که ندانند فعاليت مجرمانه اصلي چه بوده و توجهی نداشته باشند به اين که چه فعاليت غيرقانوني اتفاق افتاده است. به‌طورضمني مي‌توان گفت به استناد بند ۴۱ قانون مبارزه با پول‌شویی عدم ارائه اطلاعات به مراجع صلاحيت دار قضايی که برحسب وظايف قانوني يا حرفه‌اي از آن دارائي‌ها حاصل آمده و به منظور تسهيل جرم پول‌شویی ارتکاب يابد در حکم معاون است.

اگرچه در اين قانون همواره اصل برائت بر اماره مجرميت مقدم است و مادامي که غيرقانوني بودن منشاء اموال اثبات نگردد، قانوني تلقی مي‌شوند.

عمده مباحث تعقيب و تحقيقات پيرامون مجرم، به استناد قانون آئين دادرسي دادگاه‌هاي عمومي و انقلاب در امور کيفري مصوب ۱۳۷۸ مي‌باشد.

از جمله مواردی که مي‌توان به آن اشاره داشت، مبسوط اليد بودن مقام قضائي در انجام تحقيقات مخفي است که نمونه بارز آن ماده ۱۸۸ و تبصره ۱ ق.آ.د.ک هست. اصل را بر علني بودن محاکمه قرار داده درحالي که انتشار آن قبل از قطعيت حکم منع شده است. عدم دسترسي متهم به وکیل به‌موجب تبصره ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک عدول از اصول يک دادرسي عادلانه است. چراکه دست مقام قضائي بسيار باز گذاشته شده تا حضور وکیل را موجب فساد تلقی کند. به‌موجب موارد ماده ۱۱۸ ق.آ.د.ک قاضي برای جلب، هيچ الزامي برای تفهيم اتهام ندارد؛ اين در حالي است که به‌موجب ماده ۱۲۴ همين قانون، قاضي حتي برای احضار که کمترین مورد سلب آزادي است، بايد دليل داشته باشد. همين طور مي‌توان به مبسوط اليد بودن مقام قضائي در صدور

دستور بازداشت موقت اشاره داشت، چراکه حتی در جرائم کم اهمیت ممکن است بیم فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم باشد یا آزاد بودن متهم در آن موجب افساد گردد و مدت بازداشت موقت الزامی به موجب ذیل ماده ۳۵ ق.آ.د.ک تا صدور حکم بدوی ادامه دارد مشروط بر اینکه مدت آن از حداقل مدت مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی تجاوز نماید که ممکن است بعد از تحمل این مدت حتی شخص تبرئه شود و هیچ جبران خسارتی هم در قوانین ایران برای متهم پیش بینی نشده است.

این قواعد بر خلاف قواعد یک دادرسی منصفانه به شمار می‌روند. عدم ارتباط شخص محارب با عالم خارج به موجب ماده ۱۹۳ ق.م.ا نشان‌گر سخت‌گیری بیش از حد عدالت کیفری است. این امر به نوعی در ذیل ماده پنج قانون اقدامات تأمینی ۱۳۳۹ وجود داشته است، طوری که محکومین به تبعید حق مراد و مکاتبه با خارج را ندارند.

به تعبیر برخی می‌توان این رویکرد را در مقابل دادرسی عادلانه به نظام‌های امنیتی توسعه‌نیافته در برابر نظام امنیتی توسعه‌یافته دانست. چراکه اول در نظام امنیتی توسعه‌نیافته تأمین امنیت عمومی به قیمت قربانی کردن حقوق و آزادی‌های فردی توسط مجریان قانون بوده ولی در نظام امنیتی توسعه‌یافته برقراری نظم با رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و ایجاد تعادل و توازن بین این دو مقوله انجام می‌پذیرد. دوم در نظام نوع اول طرح هرگونه دیدگاه مختلف و گاهی متضاد را موجب ایجاد ناامنی در جامعه دانسته، در حالی که در نظام امنیتی توسعه‌یافته کثرت عقاید را موجب تقویت امنیت به معنای واقعی کلمه دانستند. سوم در نظام اولی واحدهای انتظامی و اطلاعاتی اختیارات وسیعی جهت کنترل افراد و دخالت در قلمرو زندگی خصوصی آنها برای خود قائلند در حالی که در نظام دیگر مداخله در حریم زندگی شخصی افراد مشروط به دلایل موجه برای وقوع جرم و یا استمداد شهروندان است. چهارم در نظام امنیتی توسعه‌یافته پلیس رعایت حقوق متهمین و مظنونین را مانع مأموریت‌های انتظامی می‌داند حال آن که در نظام دیگر پلیس خود را موظف و ملزم به رعایت حقوق و آزادی‌های افراد محروم از آزادی و محکوم می‌داند. پنجم در نظام نوع اول با توسل به ابزارهای خشن و ایجاد جرائم جدید به دنبال تأمین امنیت جامعه هستند و در نظام توسعه‌یافته تأکید بر پیش‌گیری است و توسل به سخت‌افزارهای امنیتی، امری استثنائی است و با رعایت قوانین امکان‌پذیر است و در نهایت ششم، این که در نظام توسعه‌نیافته جامعه فقط نهادهای امنیتی و انتظامی را مسئول وقوع هرگونه بی‌نظمی و ناامنی می‌داند ولی در نظام توسعه‌یافته، شهروندان و کلیه سازمان‌ها خود را در تأمین امنیت جامعه مسئول و شریک

بررسی جایگاه امنیت گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا/۷۵

می‌دانند (سخن سردبیر مجله امنیت، ۱۳۷۷: ۳). این شش مورد به‌طور دقیق و جوهی جزئی از تفاوت‌های امنیت گرایی (نظام امنیتی توسعه نیافته) و عدالت محوری (نظام امنیتی توسعه یافته) به‌شمار می‌آید.

گفتار دوم: جرم انگاری و تعقیب در آمریکا

مصادق عینی قانون امنیت گرا در آمریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر قانون پاتریوت ۲۰۰۱ تصور می‌شود. البته باید اذعان داشت این قانون به‌طور مخفیانه قبل از حادثه پیش‌نویس شده بود (Cohen b, 2004: 30) که توسط نمایندگان وزارت دادگستری و کاخ ریاست جمهوری به صحن مجلس آورده شد و اعضاء بدون این که فرصت مطالعه قانون را داشته باشند فقط براساس خلاصه و چکیده آن باید رأی می‌دادند. باین وجود دیده می‌شود از این جهت قانون فوق‌الذکر مشروعیتی ندارد. قانون دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد تحت عنوان قانون سه ضربه و سپس اخراج^۱ می‌باشد، در این بحث به این قانون هم به‌طور مفصل اشاره شده است. پس از بررسی موادی از قانون پاتریوت به تحلیل و نقد آن پرداخته می‌شود.

ماده ۱۰۶ این قانون اشاره به مصادره اموال کشورهای بیگانه و یا اتباع بیگانه متخاصم ایالات متحده دارد، که معلوم نیست در طراحی و تصمیم‌گیری چنین مشخصاتی به کار گرفته شده باشد، چنین اموالی در مصالح اقتصادی و سیاسی ایالات متحده صرف می‌شود در حالی که طبق قواعد مسلم عدالت کیفری باید این اموال ناشی از جرم صرف راه‌هایی مثل طراحی و نقشه‌کشی می‌شد (با توجه به مقید بودن این دست‌جرائم به نوعی در جرم به کار گرفته می‌شد تا بعد نوبت به مصادره برسد). بخش دوم ماده ۲۰۲ ق پاتریوت راجع تقویت دادرسی‌های نظارتی است که دادگاه در صورت تقاضای محکوم یا دادستان اجازه افشاء ارتباطات شفاهی کابلی الکترونیکی را می‌دهد که حتی اجازه افشاء آن برای دیگر دولت‌های فدرال وجود دارد به نظر می‌رسد چنین امری مجوز برجسب زنی در سطحی گسترده‌ای را می‌دهد. ماده ۲۰۹ ق پاتریوت ضبط و افشای پیام‌های شنیداری را به‌عنوان مثال به جهت حفظ حیات تعیین کرده است در جایی که احتمال خطر مرگ وجود دارد و همین‌طور برای مقابله با تروریسم بین‌المللی اشخاص تحت تعقیب ایالات متحده تحت حمایت اصلاحیه اول قانون اساسی قرار نمی‌گیرند. این موضوع به‌موجب ماده ۵۰۱ ق پاتریوت هم برای اتباع، و هم برای بیگانگانی که در ایالات متحده هستند اعمال می‌گردد که این تدابیر باعث می‌شود اشخاص تحت تعقیب ساده‌تر از دیگران تحریک به جرم شده و گام

^۱. Three strike and you are out.

کوتاهی با ارتکاب جرائم خطرناک فاصله داشته باشند. بخش سوم این قانون ناظر به مبارزه با پول‌شویی و حامیان مالی تروریستی است. از آنجا که پول‌شویی مکانیزم بنیادین قانون و روابط بانکی را نقض می‌کند و به همین دلیل امنیت شهروندان آمریکایی تهدید شده فرض می‌شود. این قانون توانسته با مقررات مفصلی در اقدامات ضد پول‌شویی حساب‌های مشکوک (Gouvin) (970: 2003, JZ) را مسدود نماید و در جهت جرم‌انگاری آن هر چیزی که مستقیم یا غیرمستقیم از آن به دست آید با مجازات حبس بیش از یک‌سال یا مرگ قابل کیفر می‌داند. از حیث افزایش مجازات‌ها در ماده ۳۶۳ ق پاتریوت گفته شده جزای نقدی دو برابر میزان معامله که نباید بیش از یک میلیون دلار باشد؛ و در ماده ۴۰۳ برای به دست آوردن سوابق کیفری اعضاء دولت موظفند اثر انگشت افراد را به طور قانونی تسلیم بخش مأموران اطلاعات قضائی کیفری اداره تعقیب فدرال نماید طبق ماده ۴۱۴ ق پاتریوت پس از جریان یازده سپتامبر حین ورود و خروج، در فرودگاه‌ها، بنادر کشتی و مرزها نظام اطلاعاتی شروع به بازرسی می‌کنند. در آخر می‌توان به ماده ۸۱۰ اشاره داشت که به تشدید مجازات جرائم تروریستی پرداخته است:

الف) آتش سوزی بجای ۲۰ سال حبس، حبس ابد؛ ب) تخریب تسهیلات انرژی و هسته‌ای به جای ده سال، بیست سال حبس در نظر گرفته شده است که البته چنین شدت عملی برخلاف موازین حقوق کیفری است.

دیوان عالی آمریکا نسبت به خشونت علیه زندانیان محافظه کارتر شده و بیشتر از رعایت حقوق زندانیان، به حفظ امنیت در زندان متمایل گردیده است (کاشفی اسماعیل زاده، ۷-۲۸۳). البته باید اذعان داشت باوجود منع مجازات اعدام در اسناد بین‌المللی، در سال ۲۰۰۳ در آمریکا ۱۱۶۴ نفر اعدام شدند و در غرب تنها آمریکا است که مجازات اعدام در آن اجرا می‌شود. همان‌طوری که در بالا اشاره شد چنانچه اشخاصی در اعمال تروریستی دخیل باشند دولت تمام اموال ایشان را مصادره و ضبط می‌نماید (Cassella d, 2002-3: 7-12) چه آن اموال مربوط به فعالیت‌های تروریستی باشد و چه نباشد زیرا دولت به محض اینکه علت مشکوکی را مشاهده نماید بار اثبات دلیل معکوس شده و متهم باید اثبات نماید که اموال وی نباید موضوع مصادره قرار گیرد.

در این قانون چنانچه شخصی پول با منشاء مشروعی را به قصد ارتکاب یکی از جرائم موضوع پول‌شویی وارد آمریکا نماید نیز جرم‌انگاری شده است به نظر می‌رسد دولت با جرم‌انگاری این افعال و تشدید مجازات جرائم سابق یازده سپتامبر به حاکمیت خود امنیت‌گرایی پرداخته است. باید گفت ماده ۱۰۶ قانون مذکور حقوق عرفی بین‌المللی را نقض کرده است

بررسی جایگاه امنیت گرایي در سياست کيفري ايران و آمريکا/ ۷۷

(Flina, 2004: 1189)؛ زیرا مصادره فقط در مدت زمان جنگ در مقابل دشمن صورت می‌گیرد و فقط مبارزه با تروریسم حتی به رئیس‌جمهور هم مجوز مصادره اموال اتباع بیگانه را نمی‌دهد که البته چنین اعتراضاتی هیچ‌گاه به استماع دادگاه نمی‌رسد. می‌توان به ماده ۸۰۲ ق پاتریوت اشاره داشت که در برگیرنده هر فعل خطرناک علیه سیاست‌های اتخاذی دولت است که شاید چنین تدابیری به منظور خاموش کردن منتقدین سیاست‌های دولت اتخاذ گردیده است که با وضع این سیاست‌ها، رفته رفته عدالت محوری رنگ می‌بازد به نظر می‌رسد آمریکا با وضع قانون پاتریوت بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر به عنوان مبارزه با تروریسم، حفظ حقوق بشر از غالب سیاست‌های کيفري عادات محور عدول نموده است که البته تاکنون به اهداف خود نائل نیامده است.

همان‌طور که در ابتدا هم مطرح شد غیر از قانون پاتریوت، قانون دیگری تحت عنوان قانون سه ضربه و سپس اخراج وجود دارد (غلامی، ۱۳۸۱: ۱) که در آن برخی سیاست‌های امنیت‌گرایانه مشهود است. عنوان این قانون از اصطلاح معمول آمریکائیان در بیسبال گرفته شده است (کاشفی اسماعیل زاده، پیشین: ۲۹۰) که راجع بزه کاران به عادت می‌باشد بزه کار پس از ارتکاب سومین جرم به حبس دائم یا به مدت بیست سال حبس بدون آزادی مشروط محکوم می‌گردد (غلامی، پیشین: ۸۰-۱). چرا که معقولانه نیست کسی را به دلیل ارتکاب جرائم خرد در سه مرتبه به چنین مجازات‌های سنگینی محکوم کرد که از عدالت هم به دور است. دامنه این کیفر بسیار گسترده بوده تا جایی که شامل جرائم خشن، جرائم جنسی، جرائم مواد مخدر و جرم سرقت از منازل می‌گردد و غیر از آن به تأسیس پادگان‌های اصلاحی - تربیتی و نظارت مشدد اشاره می‌شود. این سه راهبرد ما را به ضرورت پویایی سیاست سنتی حتی در مبارزه با بزه‌کاری در ایران رهنمون می‌سازد و ضرورت اتخاذ رویکردهای نوین را بیش از پیش مشخص می‌سازد. علت وضع این قانون حادثه قتل دختری در سال ۱۹۹۲ به دست سارق مکرری بود که پدر مقتول به نحو خستگی‌ناپذیری اقدامات مؤثری جهت تصویب قانون سه ضربه نمود و بالاخره در سال ۱۹۹۴ در کالیفرنیا به تصویب رسید. در حال حاضر قانون سه ضربه در سطح فدرال و به طور تقریبی در کلیه ایالات متحده جنبه قانونی یافته است.

پس از امضاء کلینتون به عنوان سیاست کيفري غالب در آمریکا قریب سه دهه پیش تاکنون درآمده است حتی برخی از ایالات جرائم خشونت آمیز را مشمول این سیاست قرار داده‌اند. نظیر خرید و فروش مواد مخدر در ایندیانا، یا هر جرم مواد مخدر که در لوئیزیانا دارای مجازات بالای ۵ سال باشد. صرف نظر از این نکته، در تعداد ضربه‌ها میان ایالات مختلف، تفاوت وجود دارد: به

عنوان مثال برخی ایالات سیاست دو ضربه را مناسب دانستند ولی اکثر ایالات این سیاست را در سومین مرتبه تکرار، به اجراء می گذارند حتی مفهوم اخراج در برخی ایالات به معنای مجازات حبس ابد بدون آزادی مشروط و امکان تعلیق است. در حالی که برخی ایالات اعمال مدتی حبس حداقل ۲۵ تا ۴۰ سال با امکان تعلیق و آزادی مشروط به اجراء در می آید.

باید اشاره داشت که کالیفرنیا بیش از ۴۰۰۰۰ نفر را وفق قانون سه ضربه روانه زندان نموده است و از ایالت واشنگتن می توان به عنوان پیش گام اجراء این سیاست نام برد.

به نظر می رسد چنین سیاستی برخلاف قاعده رعایت تناسب میان جرم و مجازات بوده و به لحاظ اجباری بودن آن موجب سلب اختیار قضات شده، که مغایر با اصل تفکیک قوایی است که به طور عام الشمولی پذیرفته شده تلقی می گردد. به طور مثال دو شخصی که یکی از روی فقر یکبار مرتکب سرقت ۲۰ دلار شد و محکوم به حبس شده و بعد ۸ دلار دزدی کرده و دوباره محکوم به حبس شده در سومین سرقت به حبس دائم یا حبس مشددی محکوم می شود در مقابل شخص دیگر غیر نیازمند که هر سه مرتبه میبالغ هنگفتی را ربوده است این امر به طور کامل ناقض عدالت و استحقاق به عنوان یکی از اهداف و وظایف حقوق جزا قلمداد می شود (کلارکسون ، ۱۳۷۴ : ۲۲۲ به بعد). در کنار این سیاست به ایجاد پادگان های آموزشی تربیتی می توان اشاره داشت که از طریق نظارت مشدد به جهت حفظ نظم عمومی و امنیت اجتماعی تقویت می شود در مقایسه به نظر می رسد نظارت مشدد از قانون سه ضربه موفقیت آمیز تر بوده است.

حال سیاست های کیفری امنیت گرا در تعقیب مجرم در آمریکا را مطالعه می کنیم. در مورد قانون سه ضربه می توان گفت اجراء اصول تعیین مجازات سبب شده که در آمریکا جمعیت کیفری متورم گردد از این رو به نظر می رسد حاکمیت بخشی امنیتی هم تحقق نیافته باشد. به طور کلی سیاست کیفری از سه محور آزادی و قانون و عدالت فاصله گرفته و جنبش های سرکوب گر موجب گسترش شبکه کنترل اجتماعی و بعضی اوقات حذف حقوق اساسی و آزادی های فردی مثل برخورداری از آزادی رفت و آمد، اصل برائت، دادرسی عادلانه، زندگی خصوصی و رفع تبعیض در برابر قانون شدند. حقوق دانان و جرم شناسان در قلمرو سیاست و جنبش های سرکوب گر کیفری امنیت گرا از این واژگان هم استفاده نمودند: تسامح صفر در برابر جرم، عدالت محاسبه گر یا سنجشی یا تخمینی، سیاست کیفری امنیت مدار، دولت پیشگیری، جامعه انضباطی و ... نگرش امنیت گرا در انتخابات ریاست جمهوری آشکار و واضح است. "جورج بوش" با استفاده زیرکانه از ترس ناشی از اعمال تروریستی پس از یازده سپتامبر توانست دوباره آراء ریاست

بررسی جایگاه امنیت گرابی در سیاست کیفری ایران و آمریکا/۷۹

جمهوری را کسب نماید و اعلان جنگ علیه تروریست‌ها نوعی میهن‌پرستی و نجات آمریکا تلقی گردید. در چنین اوضاعی وظیفه دولت ایجاد رفاه و حمایت از شهروندان نیست بلکه وظیفه عمده-اش، برقراری نظم و امنیت از طریق وسایل سرکوب‌گر است بنابراین بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا با وضع قانون پاتریوت که جنبه ضدحقوق بشری آن غالب است رفت‌وآمدها، تلفن‌های افراد تحت کنترل در آمده و همه آزادی‌های فردی به نام امنیت محدود گردیدند.

در این قانون نقض بسیاری از آزادی‌ها در طولانی مدت (با اهداف ضدتروریستی) پیش‌بینی شده است زیرا امروزه جوامع خود را در برابر اعمال تروریستی تهدید شده می‌یابند، از این‌رو محاکم اختیار نظارت‌های سری را به جهت حفظ امنیت ملی به مأموران اطلاعات مرکزی (سی.آی.ای) تفویض نموده است (Fignaut c, 2004: 18-48). این مأموران جاسوسی در حین بازجویی مجبوره اعمال رفتارهای اجبارآمیزند زیرا مضمونین تروریستی به راحتی به وقایع اقرار نمی‌کنند. این در حالی است که سازمان دیده‌بان حقوق بشر تأکید نموده چنان‌چه ابزار قانونی متعارفی در دسترس باشد حتی دشمنان مبارز نباید موضوع حملات نظامی قرار گیرند. اگرچه بوش حتی مجوز اعدام ایشان را به کمیسیون نظامی داده است.

بالای ۶۰۰ نفر از زندانیان گوانتانامو بیش از هیجده ماه بدون اتهام و دسترسی به محکمه صالح یا وکیل در زندان به سر می‌بردند. می‌توان در مبارزه با تروریسم از دو سلاح بنیادین نظارت الکترونیکی و پردازش اطلاعات نام برد که موجب نقض حق خلوت شهروندان آمریکا شده است که از آن در مصادیق تقدم امنیت گرابی اشاره می‌شود در حال حاضر آنچه وجود دارد تئوری حق خلوت پیشین محو گردیده است (Crank p, 2005: 73-86). زیرا هرچه جرائم بیش‌تر شود نظارت بیشتر می‌گردد و قانون پاتریوت اکثر ابزارهای اولیه و قدیمی تعقیب را در جهت منافع امنیتی تغییر داده است. هر چند وزارت دادگستری متعهد شده بود که این قانون فقط ناظر بر جمعیت تروریست‌هاست، لکن قانون پاتریوت گستره این مضمونین را افزوده است (White Head W, 2002: 1092).

این قانون برخلاف دیوان‌عالی کشور به کلی از حق دسترسی به دادرسی عادلانه و هیئت منصفه صرف نظر کرده است و این محرومیت فقط پاسخی در برابر حملات تروریستی به شمار می‌آید (Gross, 2002: 19-38). در همین راستا مقامات مسئول آزادی‌های مدنی واشنگتن یکی از نتایج احتمالی قانون پاتریوت را ایجاد مفهوم جدیدی از تروریسم دولتی می‌داند (David h, 2002: 10) تا افراد شاغل در امور سیاسی تحت کنترل و موضوع شوند قرار گیرند و همین‌طور از گروه‌های مذهبی بدون داشتن هیچ حکم قضائی بتوان تعیین هویت نمایند، از این‌رو وزیر

دفاع آمریکا جان اشکرافت مدعی است (Hergoz, 2005: 161) چنانچه آمریکا قبل از یازده سپتامبر آن چه را که الان می‌داند، می‌دانست، جهت خنثی کردن حملات علیه آمریکا قانون پاتریوت را خیلی قبلتر از آن حادثه نه شش هفته پس از وقوعش وضع می‌نمود. باتوجه به این روی کردها سیاست‌های کیفری امنیت‌گرا ملاحظه می‌شود که آمریکا بیشتر از ایران به این جنبش‌های امنیت‌مدار گرایش دارد.

مبحث دوم: بررسی عوامل و آثار امنیت‌گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا

در ادامه به عواملی که موجب تقدم امنیت‌گرایی بر عدالت محوری شدند و آثار آن پرداخته می‌شود. برخی جوامع به جهت حاکمیت بخشی امنیت حاضر به نقض حقوق بشری افراد و مقدم داشتن سیاست‌های امنیت‌گرا بر سیاست‌های کیفری عدالت‌محورند، که مصداقش، جامعه امروز آمریکاست. تفوق یافتن اماره مجرمیت بر اصل برائت از جمله مصادیقی است که در گفتار دوم به آن اشاره می‌شود و در گفتار اول بررسی عوامل تقدم محوریت غالب را تشکیل داده است.

گفتار اول: عوامل امنیت‌گرایی

شاید بتوان گفت، نگرانی از مخدوش شدن امنیت اجتماعی و رشد تروریسم، پیش‌گیری از ارتکاب جرائم سازمان یافته و پیش‌گیری از عوامل تهدیدکننده امنیت سیاسی ادله اصلی حاکمیت امنیت‌گرایی تلقی می‌شوند. همان‌طور که مطرح خواهد شد، یکی از بارزترین آثار امنیت‌گرایی تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت می‌باشد، علت تقدم آن ناکارآمدی قاعده استصحاب در صورت وجود اماره مجرمیت است چرا که اصل برائت کیفری در مورد شخص مظنون به ارتکاب جرم، مبتنی بر عدم ارتکاب و برائت سابق است. به‌عنوان مثال در مورد درآمدهای مشکوک اگر قاضی پرونده نسبت به برائت سابق متهم شک کند با جریان استصحاب برائت، بی‌گناهی وی استمرار می‌یابد؛

به‌رغم مبنای فوق که می‌توان در مورد اموال مشکوک اماره مجرمیت را مقدم نمود و موجبات پیش‌گیری از داراشدن‌های ناعادلانه را فراهم کرد، قانون‌گذار در ایران توجهی به این اماره ننموده و در قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ ق.ا.ج.ا. مصوب ۶۳ به‌طور مطلق اصل برائت را حاکم دانسته است (شمس ناتری ۱۳۸۳: ۲۸۴) و از این رو بار اثبات عدم مشروعیت منشاء اموال مشکوک بر عهده مقام تعقیب گذاشته شده است درحالی که تقدم اماره مجرمیت در این گونه موارد به عدالت حقوقی

بررسی جایگاه امنیت گرابی در سیاست کیفری ایران و آمریکا/ ۸۱

نزدیک تر است ولی از طرف دیگر درباره اموال قاچاق چیان مواد مخدر اماره مجرمیت به طور مطلق حاکم بوده و مصادره تمام اموال آنها جز هزینه تأمین زندگی متعارف خانواده آنها پیش بینی شده است (ر.ک: مواد ۴ و ۵ و ۸ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام)؛ و همان گونه که عدم توجه به اماره مجرمیت در سرمایه های مشکوک موضوع اصل ۴۹ ق.ا.ج.ا غیر منطقی است، تقدم مطلق اماره مجرمیت بر اصل برائت در مورد اموال قاچاقچیان مواد مخدر و بی تأثیری استدلال آنها در جهت مشروعیت منشاء اموال غیر منطقی و خلاف عدالت به نظر می رسد.

در چنین مواردی متهم مکلف است که برائت خویش را در دادگاه به اثبات برساند همین طور در قانون مجازات آلمان مقرر شده اگر متهم نتواند منشأ مشروع اموال مشکوک خود را اثبات کند این اموال مصادره خواهد شد. آنچه باعث شده برخی قانون گذاران به تقدم اماره مجرمیت متوسل شوند، مشکلات راجع به اثبات شناخت و آگاهی مجرم از منشأ اموال باز یابی شده است، یعنی از آن جا که در تطهیر و پول شوئی اثبات چنین امری بسیار مشکل است و همین امر موجب تبرئه متهمین و اندوختن اموالی است که بناحق جمع شدند و ظن قوی دلالت بر توجه اتهام به متهم می نماید، در چنین مواردی راه حل اساسی معکوس شدن بار ارائه دلیل است و شخص مظنون به سرمایه گذاری با منشأ مشکوک باید دلیل ریشه قانونی سرمایه و وجوه خود را ارائه دهد. برای پیش گیری از تحقق جرائم سازمان یافته، امروزه به نظر می رسد جرائم متضمن درآمدهای مشکوک با تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت تحت کنترل قرار می گیرند. برخی مصالح نیز موجب عدول از اصل برائت می گردند که از حقوق کشوری به حقوق کشور دیگر متفاوت است. در عین حال در جرم تطهیر با توجه به این که اقتصاد دولت ها در معرض خطر قرار می گیرد و در نتیجه موجبات شکست اقتصادی را فراهم می نماید تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در قوانین کشورهای توسعه یافته و اسناد بین المللی امری پذیرفته شده است.

از این رو شایسته است قانون گذار ایرانی هم با تجدیدنظر در قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ ق.ا.ج.ا. و قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۷۶ به صورتی معقول در موارد مقتضی اماره مجرمیت را مقدم دارد، تا از طرفی سرمایه های باد آورده مصادره شوند و از طرف دیگر اموال مشروع متعلق به دیگران بدون تعرض باقی بماند اگرچه این که این اشخاص مرتکب جرائمی نیز شده باشند. (همان) البته باید گفت این تقدم اماره مجرمیت امری استثنائی است و حتی در مواقع عدول از اصل برائت لازم است امکانات مناسب برای متهم جهت دفاع از خود فراهم گردد.

گفتار دوم: آثار امنیت گرابی و مطالعه تطبیقی آن

در گفتار حاضر به بررسی آثار متعددی از سیاست کیفری امنیت گرا که حتی بر سیاست کیفری عدالت محور تفوق یافته پرداخته می شود که مثال های بارزی از آن در قانون پاتریوت مشهود است؛ نظیر نظارت الکترونیکی قبل از وضع قانون پاتریوت، دیوان عالی مقرر داشته بود این نظارت بدون مجوز از سوی سازمان های دولتی نقض کننده اصلاحیه چهارم کنوانسیون ژنو تلقی می شود لکن حادثه ۱۱ سپتامبر مصالح امنیت ملی و آزادی فردی را تغییر داد، به طوری که قانون پاتریوت مجوز استراق سمع، کنترل مکالمات و ایمیل ها را داده است (Smith c, 2003: 421). به حدی که به منظور مبارزه با تروریسم باید شهروندان حتی از حق خلوت خود صرف نظر نمایند زیرا که بدون مخدوش شدن آزادی دوباره امنیت احیاء نمی شود؛ در ایران شنود مکالمات در ق.ا.ج.ا. منع و در ق.م.ا. برای مجازات مقرر گردیده است اما در مورد ارتکاب جرائم شدید نظر به این که تهدید جدی برای امنیت جامعه هستند، از موارد استثناء ق.ا.ج.ا. بوده و به استناد تبصره ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک قابل تفتیش و بازرسی است. به سبب نقش مهم شنود مکالمات تلفنی و استراق سمع در شناسایی باندهای مجرمانه، با وجود غیراخلاقی بودن آن به آزادی و حق خلوت اشخاص، تمامی قانون گذاران اروپایی پذیرفتند و برای این که آزادی و حق خلوت به طور گسترده مورد تجاوز قرار نگیرد، محدودیت هایی را به کار بستند.

در ایران تنها در صورتی که به امنیت کشور مربوط شده یا برای احقاق حقوق اشخاص لازم باشد، کنترل تلفن افراد مجاز بوده که تشخیص این ضرورت جهت احقاق حق شخص، فقط با قاضی است. در ماده ۲۰ کنوانسیون پالمو مراقبت الکترونیکی، یکی از مهم ترین تکنیک های خاص تحقیقاتی شناخته شده است. مراقبت فوق الذکر علاوه بر شنود مکالمات تلفنی شامل تحت نظر قرار دادن روابط اشخاص از طریق سیستم های ضبط ویدیویی و ارتباطات رایانه های و کنترل پست الکترونیکی می باشد. حتی می توان تحت شرایطی سیستم های ضبط ویدیویی را در اماکن خصوصی جهت مراقبت و تحت نظر قراردادن رفتار و گفتار افراد نصب نمود. در آمریکا نیز قانون کنترل جرم و خیابان های امن سال ۱۹۶۸ با تجویز کنترل الکترونیکی موارد مظنون و مشکوک در سطوح فدرال و ایالتی با نظر دادگاه، جمع آوری مدارک و شناسایی دست اندرکاران آسان تر شده است. با وجود تجویز این امر، اول به جهت مقرون به صرفه اقتصادی نبودن و دوم به علت در تعارض بودن آن با حق خلوت اشخاص، مورد انتقاد جدی است (شمس ناتری، ۱۳۸۰: ۸-۳۱۶). در ق.آ.د.ک. ایران هر چند به طور صریح مراقبت الکترونیکی ویدیویی پیش بینی نشده است، اما با توجه به وحدت ملاک می توان بر اساس تبصره فوق الاشاره در مواردی که به امنیت کشور مربوط

بررسی جایگاه امنیت گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا/ ۸۳

است یا به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود چنین اقداماتی را انجام داد. در عین حال لزوم تفسیر مضیق قوانین کیفری جز در موارد نفع متهم و لزوم احترام به آزادی و حق خلوت اشخاص مانع چنین اموری می‌گردد.

همچنین می‌توان از وظیفه جدید قانون پاتریوت نام برد به منظور تعقیب بازپرسی و دستگیری عاملین تروریستی که به طور بسیار متفاوتی است، از جمله آن‌ها می‌توان به ایجاد پلیس مخفی اشاره کرد (Rossler, 2003:70) چراکه جمع‌آوری اطلاعات راجع به شهروندان آمریکائی دچار مشکل شده و این نشان‌گر از میان رفتن توازن قدرت بین دولت و مردم می‌باشد به طوری که حتی چنین تغییرات پلیسی موجب گردید در مشخصات کاربران کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها ارائه گردد (Nevelow Mart, 2004: 449)، از این رو معلوم می‌شود که تکنولوژی جدید فقط به نفع تروریست‌ها نبوده بلکه مأمورین اجرای قانون هم شروع کردند که به طور وسیعی از این تکنولوژی استفاده نمایند (Wong Ws, 2002: 215) و بدین جهت با وضع قانون پاتریوت حفظ حقوق اساسی از قبل پیش‌بینی شده در آمریکا از جمله امنیت در منازل و امنیت مکتوبات به روشنی مخدوش گردیده است.

از مصادیقی که می‌توان اشاره نمود وجود زندان‌های مخفی سازمان اطلاعات و جاسوسی سیا می‌باشد وجود شبه زندانیانی که در مکان‌های مخفی و نامشخص تحت شرایط نامعلوم به سر می‌برند و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ هم به آن‌ها هیچ دسترسی ندارد و این در حالی است که مقامات آمریکایی هیچ الزامی به افشاء چنین اموری نداشته و دلیلی هم بر آن نیست زیرا قانون پاتریوت در زمان به چالش افتادن مصالح خواسته، قدرت را در بخش اجرائی دولت بیشتر متمرکز کند و نظارت قضائی را محو نماید (Ann Taylor, 2005: 20). این قانون اختیارات نامحدودی را در دست دولت قرار داده تا هر وقت تشخیص داد، فردی تروریست است سلب آزادی نماید.

به طور مثال در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۱ طی حکم اجرائی ۱۳۲۴۴ رئیس‌جمهور وقت، حداقل اموال ۲۷ مؤسسه بانکی ضبط گردید و به جای این که در محاکم کیفری مورد محاکمه قرار گیرند، محاکمه ایشان در محاکم نظامی صورت گیرد زیرا قانون پاتریوت جرم پول‌شوئی را مجازات می‌دارد (Cohen b, 2004: 41-7). از این رو دولت همه خریدهای را که اشخاص توسط کارت اعتباری انجام می‌دهند، فرم بیمه‌های مراقبت پزشکی که پر می‌کنند، از هر سرویس اینترنتی که استفاده می‌کنند، هر مدرک تحصیلی که دریافت می‌نمایند، و سپرده بانکی که ذخیره می‌کنند، هر سفری را رزرو کرده و در هر صحنه‌ای حاضر می‌شوند، را به کلی تحت نظر خود قرار داده است.

اثر بارز دیگر، معکوس شدن بار اثبات دلیل می باشد که آن ثمره تقدم اماره مجرمیت بر اصل براءت است. امروزه به طور کلی به اماره براءت بی توجهی می شود زیرا خیلی از جرائم به صورتی تعریف شدند که از حیطة و شمول این اماره خارج هستند زمانی که دادستان در اثبات ارتکاب عنصر جرم توسط متهم تحت فشار قرار دارد، نیاز به آوردن دلیل مجرم بر بی گناهی خود احساس می شود و برخی اوقات این امر توجیه گردیده چراکه به طور عمومی برای متهم اثبات این امر که مجاز به فعل ارتكابی بوده راحت تر است از این که دادستان بخواهد فقدان یکی از این مجوزها را ثابت کند که این موضوع به جهت تسهیل نمودن ثبوت جرم توسط دادستان قلمداد می شود (Ashworth, 1992: 75-7).

و در قانون پاتریوت هم در مورد پناهندگان و افرادی که از کشوری اخراج شدند به طور متعارف بار اثبات دلیل بر عهده خود متقاضی پناهندگی می باشد (Germain, 2002: 526). عدول از اصل براءت کیفری و مقدم شدن اماره مجرمیت همان طور که گفته شد یکی از دیگر مثال های تقدم امنیت گرائی بر سیاست کیفری عدالت محور به شمار می رود.

در حقوق کیفری، در موارد خاص مصالح عالیة ایجاب می کند تا قلمرو اصل براءت محدود شود تا اماره مجرمیت مقدم گردد. از جمله مهم ترین موارد عدول در اسناد بین المللی و قوانین داخلی برخی کشورهای پیشرفته وجود ثروت های مشکوک است که ظن تحصیل آنها از طریق فعالیت های مجرمانه می رود در چنین مواردی بار اثبات هم معکوس می شود و بر متهم است که مشروعیت منشأ این ثروت ها را اثبات کند و وظیفه ارائه دلیل جابه جا شده و بر دوش متهم قرار می گیرد. مبنای عدول از براءت همان مبنای حاکمیت اصل براءت است. همان طوری که عدالت اقتضاء می کند در صورت عدم وجود دلیل، بی گناهی متهم مورد حکم قرار می گیرد (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۸-۲۹۰).

در موارد خاص که قوانین ظنی ارتکاب جرم توسط متهم را افزایش می دهد. اقتضای عدالت حقوقی و مصالح عمومی تقدم اماره مجرمیت بر اصل براءت است. البته در صورتی که اماره قانونی و مقتضی در بین باشد که موجب تغییر روند دادرسی می شود و اصل براءت نسبت به متهم زائل می گردد. (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۲: ۲۵) قاضی به روش های استثنائی دادرسی متوسل می شود که نمونه بارزش، قتل های مشکوکی است که طبق مواد ۲۳۹ به بعد ق.م.ا موجب تحقق لوٹ می گردد و به رغم عدم وجود ادله اثبات دعوی نظیر اقرار و شهادت، قرائن و امارت ظن آور و غیر متعارفی مبنی بر تحقق قتل توسط متهم وجود دارد و حاکم با آنها ظن پیدا می کند، در صورت

بررسی جایگاه امنیت گرایي در سياست کيفري ايران و آمريکا/ ۸۵

تحقق تمام شرايط قسامه متهم به سبب قتل مجني عليه محکوم می شود. حتی اثبات ديه بر عاقله در قتل خطائی از موارد عدول از اصل برائت شمرده می شود. در بعضی مکاتب حقوق جزا هم به دلايل نه چندان قابل اعتماد از اصل برائت عدول می شود. به عنوان مثال در مکتب تحقیقی متهم بزهار فطري مادرزاد بوده و اصل برائت مخدوش است. به طوری که حتی از متهم خواسته نمی شود تا برای برائت خود دلیلی بیاورد که این امر بسیار ناعادلانه به شمار می رود. موارد عدول از اصل برائت کم و بیش در کشورهای مختلف وجود دارد. به طور عمده در مواردی که ارتکاب جرم موجب صدمه شدیدی به جامعه شده است یا تهدید جدی علیه آن قلمداد گردد و سپس اثبات جرم توسط دادستان به سبب پیچیدگی های خاص جرم ارتكابی امکان پذیر نباشد، از این رو برای عدم گریز مجرمین از اعمال عدالت، اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم می شود، مواردی چند از تقدم اماره مجرمیت در ذیل آورده می شود:

الف) جرائم علیه امنیت: به سبب اهمیت خاص جرائم علیه امنیت، در صورت شک به متهم، اماره مجرمیت مقدم می شود. به عنوان مثال در بخش سوم قانون اسرار دولتی کانادا ارائه اطلاعات به دولت خارجی، که برای امنیت جامعه مضر است جرم انگاری شد. در همین حال دو فرض باقی است: - صرف تماس داشتن متهم با مأمور خارجی در کانادا یا خارج از کانادا دلیل بر آن است که متهم به نفع دولت خارجی اقدام کرده است. - به محض ارائه اطلاعات بصورت اماره قانونی مفروض شمرده شده و وظیفه متهم است که عدم صحت فروض مذکور را اثبات نماید.

ب) جرائم جنگی: تمامی افراد وابسته به گروه مرتکب جنایات جنگی مشمول مجازاتند، مگر برائت خود را ثابت کنند (شمس ناتری، پیشین). به عنوان مثال قانون ۱۵ سپتامبر ۱۹۴۸ راجع به مجازات جنایت کاران مقرر داشته تعلق افراد به یکی از گروه‌هائی که دادگاه نورنبرگ مجرم شناخته، دلیل بر شرکت اعضاء آن در تمامی جنایات جنگی منتسب به این گروه محسوب گردیده مگر ثابت شود عضویت اجباری بوده یا به هیچ وجه در عملیات مجرمانه شرکت نداشته است. که معاون هیتلر آن را برخلاف اصل برائت دانست، اما دادگاه در پاسخ گفت: سازمانی که اهداف جنایت کارانه دارد، بی شباهت به توطئه جنایت کارانه نیست و برای تحقق توطئه باید جمعی با هدفی مشترک باشند، از این رو افراد بی اطلاع از اهداف سازمان مجازات نخواهند شد. اماره مجرمیت حاصل از عضویت بر اصل برائت ناشی از ارتکاب جنایت مقدم شده است.

ج) ثروت‌های مشکوک: از جدیدترین موارد تقدم به شمار می آید زیرا امروزه یکی از راه‌های مشروع جلوه دادن ثروت‌های نامشروع تطهیر پول است و ثروت‌های غیرقانونی از این طریق به بازار قانونی تزریق می شود از این رو آثار فعالیت‌های مجرمانه این ثروت‌ها محو می گردد. در

کشورهای مختلف جرم انگاری شده، به خصوص پس از گسترش ارتکاب جرائم سازمان یافته، در قوانین داخلی هم پیش بینی شدند به علاوه در صورتی که شخصی سرمایه ای تحصیل نماید که با درآمدش ناسازگار باشد و از طرفی وی با مجرمین کم و بیش در ارتباط باشد، با تقدم اماره مجرمیت این اموال توقیف شده و مظنون به جهت ادای توضیحات راجع مشروعیت منشاء این اموال به دادگاه احضار می شود تا در صورت ثبوت به وی مسترد گردد در غیر این صورت مصادره شده و متهم به مجازات های دیگر هم محکوم می شود (همان).

در قانون پول شویی ایران با وجود فراهم آمدن موجبات شکست اقتصادی راجع ثروت های مشکوک، اصل بر براءت بوده و متهم نیاز ندارد که مشروعیت منشاء آن اموال را اثبات کند که شایسته است قانون گذار به دنبال رفع این نقیصه باشد.

در ادامه یکی دیگر از آثار تقدم امنیت گرائی مورد بررسی قرار می گیرد. از آن جا که مجرمین فعالیت های مجرمانه خود را دور از چشم مأموران پلیس بدون مشکل چندانی به انجام می رسانند، کشف جرم کاری بس دشوار می باشد. به طور کلی امروزه کسب دلیل از سازمان های متبهر مجرمانه با ابزار عادی، ثقیل، و باید از شگردهای خاص پلیسی بهره جست. در برخی موارد دخالت در خلوت اشخاص و تجسس در زندگی خصوصی موجب کشف سرنخی از جرم می شود، گرچه که موجب نقض حق خلوت شده ولی در موارد خاص به سبب مصلحت مهم که همان حاکمیت امنیت در جامعه است، چنین اقداماتی مجاز است. کنوانسیون پارلمو کشورهای عضو را مکلف نموده، در صورت تجویز این امر در حقوق داخلی خود تدابیری ویژه را برای استفاده از تکنیک های تحقیقاتی نظیر مراقبت الکترونیکی و اقدامات مخفی توسط مقامات صالح خود در قلمروی حاکمیتی خویش اعمال نمایند.

یکی از مهمترین راه های کشف باندهای قاچاق، کنترل محموله های قاچاق است که این کنوانسیون نیز کنترل محموله های قاچاق را به عنوان یکی از تکنیک های خاص تحقیقاتی پیش بینی نموده است.

کنوانسیون وین مصوب ۱۹۸۸ نیز کنترل محموله های قاچاق را پیش بینی کرده است (شمس ناتری، ۱۳۸۰: ۳۱۴-۱۹۷) گرچه کنترل محموله در این کنوانسیون ها فراملی است، اما در بسیاری موارد در سطح داخلی هم می توان از این طرح بهره جست. در عملیات تحویل تحت نظارت پلیس نقش مهمی ایفاء می نماید. در این میان روش پلیس برای پی گیری مسیر قاچاق چیان به نحوی در شبکه های مجرمانه نفوذ نموده که البته به طور مستقیمی دخالت ندارد و فقط به ردیابی مسیر و

بررسی جایگاه امنیت گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا/ ۸۷

محموله قاچاق بسنده می‌کند. در ماده ۲۶۳ مکرر اصلاحیه ق.آ.د.ک. اسپانیا مصوب ۱۹۹۹ توسل به تحویل تحت نظارت تنها در صورت صدور مجوز از ناحیه قاضی تحقیق و کنترل محموله در این قانون یعنی تجویز محموله‌های غیرقانونی مواد مخدر و دیگر کالاهای ممنوعه و متعلقات آن‌ها و درآمدهای فعالیت‌های مجرمانه جهت ورود، ترانزیت و خروج از منطقه اسپانیا با هدف کشف یا شناسایی دست‌اندرکاران ارتکاب این جرائم ممکن است (همان).

شاید بتوان گفت در حقوق ایران به استناد اطلاق ماده ۲۲ ق.آ.د.ک. در مورد محموله‌ها یا مضمون مجوز قانونی از قاضی لازم نبوده و ضابطین دادگستری بدون آن به تحقیق پرداخته و فقط نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مقامات صالح می‌رسانند با توجه به این که تحویل تحت نظارت نوعی تحقیق است، اصل در تحویل تحت نظارت این است که می‌تواند بدون مجوز قضائی صورت گیرد و تنها در صورتی مجوز باید صادر شود که در مورد محموله‌های قاچاق مواد مخدر تقیید خورده و مقید به صدور مجوز گردد و نسبت به محموله‌های قاچاق دیگر، ضابطین دادگستری بدون مجوز قضائی خاصی، می‌توانند اقدام به کنترل محموله بنمایند (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۷۵). کنترل محموله بیشتر در جهت کشف مواد مخدر و مواد منفجره تروریست‌ها به کار گرفته شده است. فن‌آوری‌های جدیدی هم در این زمینه ایجاد شدند. از جمله آن، فناوری اشعه X می‌باشد، نظیر توموگرافی رایانه‌ای که هم‌اکنون در فرودگاه‌های ایالات متحده آمریکا در حال بهره‌برداری است. که در اصل برای کشف مواد منفجره طراحی شده، ولی برای کشف مواد مخدر هم به کار می‌آید که حتی کامیون‌های بزرگ پلمپ‌شده از دست آن در امان نیستند.

دستگاه انکسار اشعه X باعث می‌شود مواد آلی نظیر مواد مخدر داخل کیف و چمدان واضح دیده شوند. فن‌آوری‌های هسته‌ای مشابه این امور می‌باشند، همین‌طور در فناوری الکترو مغناطیس دستگاه تجزیه و تحلیل ارتعاش چهار قطبی جهت کشف مواد منفجره به دلیل افزایش اقدامات تروریستی با استفاده آن موکد ابداع شد (پرویزی، ۱۳۷۹: ۷۹-۱۴). سیستم پر قدرت اشعه X با توانایی نفوذ در کانتینرها در سال ۱۹۹۴ توسط گمرک ایالات متحده احداث شد. می‌توان از روش‌های مراقبتی ماهواره‌ای نیز نام برد که البته ماهواره‌های جاسوسی و نظامی روش‌های تعقیبی را نیز دگرگون ساختند و سازمان‌های اطلاعاتی از آن حتی جهت مراقبت از محکومان به حبس بهره می‌گیرند. سیستم موقعیت‌یاب جهانی^۱ از مصادیق آن می‌باشد، یک سیستم ره‌یاب ماهواره‌ای است که جهت تعیین موقعیت مکانی و زمانی یک شیء در هر نقطه از جهان و در هر زمان در طول

^۱. Global Positioning System

شبانہ روز از آن استفاده به عمل می آید (همان). با توجه به شرایط جغرافیائی ایران که گذرگاه مناسبی برای قاچاق چیان بوده، شایسته است در راستای تحولات تکنیک های مجرمانه، روش های تعقیبی همگام با آن ارتقاء یافته و به روز شوند.

نتیجه گیری

در قوانین ایران مواردی که از عدالت محوری عدول شده باشد در مقایسه با قوانین آمریکا دیده نمی شود. یکی از خطرات این عدول سقوط دولت قانون گراست که اصلی ترین حافظ حقوق و آزادی های اعضای جامعه است که رفته رفته منجر به کم رنگ شدن حقوق فردی شدند. همان طوری که در میزان مجازات برخی از جرائم دیده شد، شدت مجازات آن قدر زیاد شد تا ارتکاب دوباره جرم را از سوی مجرم و سایر افراد منتفی نماید و عقیم سازی مجرم از طرق مختلفی که اشاره شد، مثل سیستم موقعیت یاب، کنترل محموله، نظارت الکترونیکی تقویت گردیده است. پس از ارزیابی قوانین دیده می شود سیاست کیفری امنیت گرا در آمریکا صبغه بیشتری نسبت به جنبش های امنیت مدار ایران دارد گرچه بهتر بود در قانون مبارزه با پول شویی قانون گذار اثبات مشروعیت منشأ اموال را به عهده خود متهم می گذاشت، در شرایط فعلی که پرونده های فساد مالی در محاکم روبه فزونی است. البته در همه جا بر چنین رویکردی نباید تأکید ورزید.

در نهایت این سؤال هم چنان باقی است آیا با حفظ جای گاه سیاست کیفری عدالت محور می توان به مقابله با جرائم سازمان یافته ای هم چون جرائم تروریستی پرداخت؟ بنابراین باید به نحوی از انحاء این نوع سیاست کیفری را در جرائم شدید از جمله جرائم تروریستی اعمال نمود.

فهرست منابع

فارسی

- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۳)، **حمل و تحویل تحت نظارت**، تهران: میزان، چاپ اول.
- ام اسچب، جان، (۱۳۸۳)، **گزیده متون حقوقی حقوق جزای آمریکا**، به ترجمه سماواتی پیروز، امیر، تهران: نگاه بینه، چاپ اول.
- پرویزی، رضا، (۱۳۷۹)، **"فناوری های نوین مبارزه با مواد مخدر"**، مجموعه مقالات

بررسی جایگاه امنیت گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا/ ۸۹

- همایش بین‌المللی علمی-کاربردی، جنبه‌های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر، ج ۱، چاپ اول، روزنامه رسمی.
- حیدری، علی‌مراد، (۱۳۸۲)، **تطهیر پول در اسناد بین‌المللی و حقوق جزای ایران**، به راهنمایی شمس ناتری، محمد ابراهیم، پردیس قم.
- خسروی فارسانی، داریوش، (۱۳۸۱)، "تطهیر پول در اسناد بین‌المللی و ایران"، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی**، دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی کوشا، جعفر.
- سلیمانی، مهدی، (۱۳۸۱)، **مجموعه قوانین و مقررات مرزی و امنیتی**، معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، چاپ اول، احسان.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۸۰)، "سیاست کیفری در قبال جرائم سازمان‌یافته با رویکرد حقوق جزای بین‌الملل"، **رساله دکتری**، حقوق جزا و جرم‌شناسی، به راهنمایی نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تربیت مدرس.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۸۳)، **اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری**، علوم جنایی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- غلامی، حسین، (۱۳۸۱)، **سه راهبرد نوین حقوق جزا؛ سه ضربه و سپس اخراج پادگان‌های تربیتی آموزشی و نظارت مشدد**، طرح درون دانشکده‌ای، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی.
- کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن، (۱۳۸۴)، "جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنائی کشورهای غربی"، **مجله تخصصی الهیات و حقوق**، ش ۱۶ و ۱۵.
- کلارکسون، (۱۳۷۴)، **تحلیل مبانی حقوق جزا**، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، چاپ ۲، جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، **حقوق بشر در نظام کیفری و زندان‌ها**، چاپ اول، راه تربیت.
- میر محمدصادقی، حسین، (۸۵/۲/۱۶)، **روزنامه جوان**، سال هشتم، ش ۲۰۱۸.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۸۴-۱۳۸۳)، **تقریرات درس جرم‌شناسی سیاست جنائی و تکنیک‌های حقوق کیفری**، مقطع دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۷)، "نظام‌های امنیتی توسعه‌یافته و توسعه نیافته"،

لاتین

- Albrecht, Hans Jeorg, (2005), **Crime, criminal justice**, Germany trends and development.
- Ann Taylor, Hon, (2005), “intelligence & security committee, the handling of detainees”, **UK Intelligence personel in Afghanistan, GUANTANAMO, Iraq**.
- Ashworth, Andrew, (1992), **principles of law**, Oxford university press, Great Britain, 2ded.
- Cassella D, Stefan, (2002-3), “forfeiture of terrorist assets under the USA PATRIOT ACT of 2001”, **law and policy in International business**, vol34.
- Cohen b, David, (2004), **American national security and civil liberties in an era of terrorism**, Pal grave, Macmillan, 1st pub.
- Crank p, John, (2005), **Counter terrorism after 9/11 justice, security & ethics**, Florida Atlantic university lexis nexis, Anderson pub.
- Davis h, Derek, (2002), “editorial the dark side to a just war, the USA PATRIOT ACT and counter terrorism’s potential threat to religious freedom”, **Journal of church and state**, Vol46.
- Fignaut c, (2004) **Legal instrument in the fight against international terrorism, a Tran's Atlantic dialogue**, Martinus Nijhoff pub, leid on, Boston.
- Flina, Charles, (2004), “Challenging the legality of section 106 of the USA PATRIOT ACT”, **Albany Law review**, vol67.
- Germain, Regin, (2002), “Rushing to judgement: the unintended consequences of the USA PATRIOT ACT for Bona fide refugee”, **George Town immigration law journal**, Vol16.
- Gouvin J, Eric, (2003), “Bringing out the big guns: the USA PATRIOT Act, money laundering and the war on terrorism”, **Baylor Law review**, vol55.
- Gross, Emanuel, (2002), “the influence of terrorist attacks on human rights in the United States: the aftermath of 9/11”, **North Carolina journal international law & commercial regional**, Vol28.
- Hergoz, Simcha, (2005), “States rights & the scope of the treaty

power: could the PATRIOT ACT be constitutional as a treaty? ”
Pierce law review, Vol3, No2.

- Nevelow mart, Susan, (2004), “post PATRIOT ACT electronic surveillance at the library”, **law library journal**, Vol96, Issue 3
- Rossler, Thomas,(2003) **a new mission & new challenges: law enforcement & intelligence after the USA PATRIOT ACT**, JIIS, and Vol3.
- Smith c, Jeremy, (2003), “the USA PATRIOT ACT: violating reasonable expectations of privacy protecting by the fourth amendment without advancing national security”, **North Carolina law review**, Vol82.
- Vanden wyngaert, Christine,(2005), **International Criminal Law**, Brill Academic pub, the neither land.
- 18-White head w, John, (2002), “Forfeiting enduring freedom for home land security: a constitutional analysis of the USA PATRIOT ACT and the justice department’s Anti-terrorism initiative”, **American university law review**, Vol51.
- Wong ws, Mary, (2002), “Electronic surveillance and privacy in the united states after 9/11: the USA PATRIOT ACT”, **Singapore journal legal studies**.